

دولت را باید ناچار به حمایت از تولید داخلی کرد

احمد هدایتی

مصوبه دولت در رابطه با واردات را باید جدی گرفت. نه از آن نظر که دولت می تواند مطابق این مصوبه عمل کند و یا نکند و یا هدف دولت تبلیغات برای خود است و یا نیست، بلکه به این دلیل که این مصوبه به کارگران و کشاورزان می فهماند سیاست های بی درو پیکر ۱۵-۱۶ سال گذشته در مورد واردات و دروازه های باز گمرکی که دنباله روی از سیاست های جهانی امپریالیسم در ایران بود نه فقط غیر ملی، بلکه ضد ملی بوده است. مصوبه اخیر دولت، حتی اگر دنبال هم نشود و روی کاغذ بماند نیز بر اثر فشار مردم و بحران در حال انفجاری که در بطن جامعه و در میان قشرهای وسیعی از مردم وجود دارد تصویب شده است و این همان نکته ایست که باید به آن توجه کرد و مانند دیگر وعده ها و مصوبات تبلیغاتی دولت احمدی نژاد اجرای آنها را از دولت خواست. بنابراین نباید درباره این مصوبات سکوت کرد تا در طی زمان فراموش شوند. از جمله و در همین رابطه سخنانی اسکندری (جهاد سازندگی) در جمع مردم بندرگز در مورد پنبه است که عمیقا زیر فشار مردم منطقه بیان شد.

بنظر ما باید این وعده های دولت جدید را مرتب تکرار کرد تا در ذهن مردم عمیقا جانشین شده و آنها را مرتب از دولت طلب کنند:

- ۱- دادن پول نفت جلوی خانه ها،
- ۲- بردن پول نفت سر سفره مردم،
- ۳- بورس حکم قمار دارد،

و از این دست شعارها و وعده ها. به این ترتیب است که توده مردم را بیشتر می توان هوشیار کرد تا بدانند نفت نه مال شاه بود و نه مال آقایان، بلکه متعلق است به ایران و مردم آن. بورس سازمانی برای غارت مردم است و...

همینطور است مصوبه دولت نهم در رابطه با تولید داخلی و عدم واردات کالا هایی که در داخل تولید می شود. این هم یکی از آن مصوبه های مهم طی دو دهه اخیر است که سرنوشت میلیون ها زحمتکش روستائی و شهری به آن وابسته است. تنها در کشت و تولید چای ۱۰۰ هزار نفر، تولید پنبه ۵۰۰ هزار نفر، تولید شکر ۱/۵ میلیون نفر و مشغول اند. باید این طیف وسیع زحمتکش را برانگیخت تا از دولت بخواهند آن چه را می گوید تصویب کرده اجرا کند. اگر چنین کرد و یا توانست بکند آفرین بر چنین دولتی و اگر نکرد- که بسیار دشوار بتوان تصور اجرای آن را کرد- آنگاه مردم و همین زحمتکشان، در همین مدت نسبت به ریشه مشکلات آشنا تر شده اند و سقوط دولت کنونی نه براساس معاملات و معادلات بالای حکومتی، بلکه از پائین و توسط همین توده مردمی که وعده ها داده شد و مصوباتش روی کاغذ ماند و از حد تبلیغات فراتر نرفت صورت خواهد گرفت. در اینصورت است که برکناری دولت می تواند با یک تحول اجتماعی همراه شود و اگر - به فرض نزدیک به محال- در این جهت حرکت کرد، آنگاه شاهد درگیری هایی در درون حکومت خواهیم بود که خود آن نیز یک تحول است.

آگاهی زحمتکشان نسبت به حقوق پایمال شده خود می تواند مفهوم و نتیجه ویرانگر واردات، که مطابق گفته های مقامات در همین سال جدیدی که آغاز شده بین ۴۰ تا ۴۵ میلیارد دلار تخمین زده شد را چنان روشن سازد که در هر تحولی ساختار اقتصادی حاکمیت تغییر کند. اگر روشنفکران کشور نیز با همین درک از مسئله به میدان آمده و مردم را نسبت به این

مسائل آشناتر کنند، آنگاه ما شاهد حرکتی خواهیم بود که به آسانی مقابله با اصلاحات سیاسی، نخواهند توانست با آن مقابله کنند.

وقتی وزیر جهاد کشاورزی می گوید ۵۰ هزار تن مرغ از تولید کنندگان داخلی خریده و در سال ۸۴ حتی يك كيلو مرغ وارد کشور نشده، باید جزئیات این ادعا را در مطبوعات کشور از وزیر جهاد کشاورزی خواستار شد و با دامن زدن به بحث ملی در باره آن، تولید کنندگان داخلی مرغ را در جریان این ادعا قرار داد. صدها هزار کارگری که در چنین تولیدی مشغول اند، تنها در صورت متعهد شدن دولت به تقویت این بخش و جلوگیری از واردات مرغ است که می توانند حقوق صنفی خود را مطالبه کنند، زیرا دولت به مصرف کننده پاسخگوست و همین دولت ناچار به قبول خواسته های تولید کنندگانی که بازار را تامین می کنند. حقوق صنفی تولید کنندگان داخلی – در هر عرصه تولیدی- اینگونه به کارزاری اجتماعی و ملی می تواند تبدیل شود. به همین دلیل است که باید روزنامه های داخلی و حتی صدا و سیما را نیز زیر فشار گذاشت تا این نوع اخبار را بجای اخبار مربوط به ادعاهای احمدی نژاد در وابستگی به امام زمان برای مردم پخش کنند تا اگر بازی تبلیغاتی است، با رو کردن یک بازی جدید، هفته به هفته با افکار عمومی بازی نکنند و اگر واقعیت است و نیروهای دیگری در برابر آن قرار دارند مردم آن نیروها را بشناسند و اجازه زدوبند دولت با آنها را ندهند.